

نقد روشهای جاری آموزشی در مدارس 6

دکتر یداله سعیدنیا

از دو شماره پیش تاکنون تلاش شد بر اساس نگاهی که به نظر می رسد با فرهنگ و فلسف ما تطبیق بیشتری دارد، به تدوین اصولی در آموزش پرداخته شود. تا اینجا اصولی تدوین شده است که اگر به دلالت های آن عمل شود، تغییرات زیادی را در نظام کنونی ایجاد می کند. در این شماره نیز این تلاش می یابد و در پایان این شماره، مجموعه اصول بدست آمده برای مرور فهرست می شود.

یکی از اصول جاری که از نگاه پیشین بدست می آمد، تعیین اهداف آموزشی و تبدیل آن به اهداف رفتاری و استفاده از محرک های مناسب برای آموزش ان بود. اگر این نگاه را که انسان تنها با محرک و پاسخ یاد می گیرد را کنار بگذاریم و انسان را موجودی متکامل تر از یک ماشین در نظر بگیریم، می توان اصل " تبدیل هدف آموزشی به جزئیات قابل اندازه گیری و آموزش اهداف جری با به کار بردن محرک و پاسخ های مناسب " را کنار گذاشت. اینکه چه جایگزینی برای این اصل بیابیم موضوعی است تا حدی فنی. از آنجا که در این مجموعه نوشته به دنبال کشف اصول جدید بر اساس صرفا نگاهی تازه با انسان هستیم نه ارایه اصول آموزشی تئوری های موجود و نوشته شده، می توان به ذهن اجازه داد بر اساس نگاه جدید، اصلی را جایگزین کند.

این اصل می تواند این باشد: *موضوعات آموزشی می توانند به عنوان یک مسئله کلی به یادگیرنده ارایه شود تا خود بر اساس شیوه مناسب خود آن را بیاموزد.* این اصل در واقع این حقیقت را در بر دارد که انسان ها متفاوتند و روش مناسب برای یادگرفتن برای هر یک متفاوت است. ضمنا درک جزئیات با درک کل متفاوت است و درک کل باعث کشف جزئیات می شود ولی درک جزئیات ممکن است الزاما منجر به درک کل به عنوان یک حقیقت یک پارچه نشود.

در شماره های پیش به مناسبت مسایلی مطرح شد تا اصول ذکر شده روشن شود. برخی از آن مسایل خود می تواند یکی از اصول این نگاه جدید باشد. در این جا برای تکمیل اصول جدید آن ها را قالب اصول مطرح می کنیم:

بهترین ارزیابی از یادگیری ، یادگیرنده است. از آن جا که در این نگاه و روش جدید یادگیرنده بر اساس انگیز درونی خود یاد می گیرد، ارزیابی آنچه یاد گرفته نیز به عهده خود اوست. ممکن است برخی آزمون ها حتی به شکل معمول در مدرسه صورت بگیرد ولی مهم این است که این آزمونها کمک به یادگیرنده برای درک بهتر میزان یادگیری خودش تلقی شود نه ابزاری برای قضاوت دیگران، تشویق یا تنبیه وی، مقایسه وی با دیگران، و غیره.

شاید برای خواننده جالب باشد که بدانند در بسیاری از نظامهای رسمی دنیا مانند انگلیس و حتی کشورهای در حال توسعه ای مانند مالزی (به تازگی جزء توسعه یافته ها قرار گرفته است)، با اینکه نظام های آموزشی آن ها بسیار رسمی است و پایه های تحصیلی و دروس و تدریس و کتاب دارند و آزمون های پایانی کاملا رسمی و معمول دارند، ولی اولاً نتایج به صورت طبق بندی شده A, B, \dots, F داده می شود و ثانيا هیچ فردی در هیچ پایه ای با هر نتیجه ای رفوزه نمی شود. حتی درس خاص هم تکرار نمی شود مگر با توصیه معلم وموافقت ولی دانش آموز. بنابر این با هر نتیجه ای دانش آموز به پایه بالاتر می رود. تنها در پایان سال نهم است که بر اساس نتایج آزمونها رفتن آن ها به رشته ها ممکن است تا حدی محدود شود. با برخی نتایج ممکن است امکان ادامه در رشته های خاص نباشد. در پایان دبیرستان هم بر اساس نتایج دوره تحصیلی، بدون کنکور، انتخاب های متناسبی برای رشته و دانشگاهها خواهند داشت.

این بدان معنی است که اگر چه موسسات جامعه، شامل موسسات آموزش عالی و یا موسسات شغلی، برای انتخاب دانشجو یا کارمند می توانند و باید شرایطی بگذارند، ولی نظام آموزشی از ابتدا و در طول تحصیل با ارزشیابی های آزاردهنده به دنبال تصمیم گیری به جای یادگیرنده نیستند. این یادگیرنده است - یا با همراهی خانواده - که باید بر اساس هدف خود برای آینده برنامه ریزی کند و تصمیم بگیرد. این جمله آشنا را در این جا بکار نمیبرند: "اگر به بچه واگذار کنیم آنها مصلحت خود را تشخیص نمی دهند و آینده خود را خراب می کنند".

برای آن که خواننده ها به دنبال راه حلی برای نجات تفکرات قدیمی خود با بیان اینکه: "به دلیل همین سیستم ارزیابی است که مالزی آموزش و پرورش ضعیف تر از مادارد!"، نباشد لازم است یادآوری شود، نه تنها مالزی اکنون پس از دو دهه از آغاز پیشرفت جزء کشورهای توسعه یافته است، بر اساس نتایج رسمی آزمونهای بین المللی TIMSS¹ و PIRLS²، مالزی در طول 20 سال گذشته همواره نتایجی بالاتر از میانگین جهانی داشته است و ایران همواره پایین تر از میانگین و جزء چند کشور آخر بوده است. آزمون TIMSS از طرف سازمانی بین المللی در کشورهای داوطلب بر اساس نمونه گیری اتفاقی و در پایه های سوم دبستان و دوم راهنمایی هر چهار سال یکبار با آزمونهای فرهنگ نابسته برگزار می شود. آزمون PIRLS هم مشابه آن در موضوع خواندن و درک مطلب زبان بومی آزمون برگزار می کند.

نتایج مربوط به ایران در جدول 1 خلاصه شده است .

جدول 1: خلاصه ای از نتایج آزمون بین المللی TIMSS و PIRLS در سالهای مختلف

موضوع	سال ارزشیابی	سال تحصیلی	رتبه ایران	تعداد کشورهای شرکت کننده	میانگین امتیاز جهانی	امتیاز ایران
خواندن	2001	4	32	35	500	414
ریاضیات	2003	8	34	46	467	411
ریاضیات	2003	4	23	26	495	389
علوم	2003	4	22	30	489	414
علوم	2003	8	22	25	489	414
علوم ³	1999	8	32	44	448	488
ریاضیات ⁴	1999	8	34	39	487	422

¹ مراجعه کنید به <http://rie.ir/index.aspx?siteid=75&pageid=324> و <http://nces.ed.gov/timss>

²

³ تنها 2% از شرکت کنندگان ایرانی جزء 10% بالاترین امتیازها بوده اند و تنها 9% جزء 25% بالاترین ها بوده اند.

برای تکمیل این اصل لازم است اصل تکمیلی دیگری اضافه کرد و آن این است که ارزیابی روشی برای آموزش و بخشی از آموزش است. در نگاه های جدید به جای ارزیابی برای اندازه گیری میزان آموخته شده و تصمیم گیری برای یادگیرنده، عملاً ارزیابی با آموزش آمیخته شده و بخشی از آن است .

اصول تدوین شده در نگاه جدید برای مرور در پی فهرست شده اند:

1. خود را از مقام مسئول آموزش کودکان خلع کنیم.
2. معلم بسیار مهم است ولی نقش پر رنگی را نباید در آموزش داشته باشد. در عوض معلم نقش پر رنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد.
3. هر بچه ای با توجه به نیاز و شرایط شخصی خود یاد می گیرد.
4. آموزش ها باید تمرین تفکر را مهیا کند نه آنکه صرفاً دانش های آماده را به افراد بدهد.
5. باید از الگودهی، الگو پذیر کردن، دنباله رو کردن بچه ها پرهیز و در عوض آن ها را تشویق به انتخاب آزادانه و بر مبنای تشخیص خود و رها شدن از دنباله روی احساسی نمود.
6. موضوعات آموزشی می تواند به عنوان یک مسئله کلی به یادگیرنده ارائه شود تا خود بر اساس شیوه مناسب خود آن را بیاموزد.
7. بهترین ارزیاب از یادگیری، یادگیرنده است.
8. ارزیابی روشی برای آموزش و بخشی از آموزش است.